

سیری در سیره امام صادق علیه السلام

<"xml encoding="UTF-8?">

جلوه های صدق اهل بیت علیهم السلام در صادق این خاندان به صورت ویژه بروز یافته است. این جلوه ها را در رفتار آن حضرت بهتری توان درک کرد. آنچه بیش تر رواج یافته، ذکر «قال الصادق» هاست که به حق زیر ساخت فکری، فقهی و کلامی شیعه را تشکیل داده است اما در کنار توجه به گفته های آن حضرت، فصل دیگری را هم باید گشود؛ فصلی برای تامل و توجه در رفتارهای آن امام علیه السلام و بهره گیری عملی از این رفتارها. آنچه در این نوشتار می آید، بخشی از کردارهای امام صادق علیه السلام را منعکس می سازد.

1 - انفاق

هشام بن سالم می گوید: امام صادق علیه السلام هنگامی که تاریکی شب فرا می رسید، انبانی از نان و گوشت و پول را بر می داشت و بردوش می نهاد و به سوی نیازمندان شهر مدینه می شتافت و آن ها را میانشان تقسیم می کرد. آن ها او را نمی شناختند. زمانی که امام صادق علیه السلام رحلت کرد و آن انفاق های شبانه ادامه پیدا نکرد، نیازمندان فهمیدند که چه کسی هرشب به آن ها غذا و پول می داد. (1)

معلى بن خنيس می گوید: امام صادق علیه السلام بانبانی از نان بیرون آمد و من همراه او بودم. به اقامتگاه بنی ساعده رسیدیم. در آن جاگروهی خوابیده بودند. آن حضرت یک یا دونان بربالین هرکدام نهاد. به آخرین فرد که رسید، برگشتیم. پرسیدم: من به فدایت! آیا این ها حق را می شناسند (یعنی شیعه هستند)؟ امام علیه السلام فرمود: اگر حق رامی شناختند، نمک را نیز با آن ها به صورت مساوی تقسیم می کردم. (2)

در روایتی آمده است:

«كان الصادق عليه السلام يطعم حتى لايبقي لعياله شيء» (3)

امام صادق علیه السلام به فقیران اطعام می کرد تا آن جا که برای خانواده اش چیزی باقی نمی ماند.

2 - میانه روی

امام صادق علیه السلام - در ایام قحطی - دستوری داد برای تهیه آرد گندم را با جو مخلوطکنند و می فرمود: من می توانم برای خانواده ام آرد گندم خالص تهیه کنم ولی دوست دارم درزندگی اندازه و حساب و کتاب را خوب رعایت کنم. (4)

3 - دوری از بخل

فضل بن ابی قره می گوید:

رایت ابا عبد الله عليه السلام يطوف من اول الليل الى الصباح و هو يقول: اللهم قني شح نفسي فقلت: جعلت فداك ما سمعتك تدعو بغیر هذا الدعاء؟ قال: وای شیء اشد من شح النفس، ان الله يقول: «و من يوق شح

نفسه فاولئک هم المفلحون» (5)

امام صادق علیه السلام را دیدم که از اول شب تا صبح، خانه خدا را طواف کرد و این دعا را خواند: خدایا! مرا از شر بخل نفسم برهان! گفتم: به فدایت شوم! از شما غیر از این دعا رانشنیدم؟ فرمود: چه چیزی بدتر از بخل نفس! بعد آیه «و من یوق شح نفسه. . .» را خواند.

4 - ادب بیماری

امام صادق علیه السلام هنگام بیمار شدن عرض می کرد:

«اللّٰهُ اجعله علة ادب لاعلة غضب. » (6)

بارخدایا! آن را بیماری ادب (و تنبه) قرار بده، نه بیماری غضب (و خشم).

5 - دعا هنگام پیش آمد ناگوار

«کان الصادق علیه السلام: اذا حز به امر جمع النساء والصبيان ثم دعا و امنوا» (7)

امام صادق علیه السلام هرگاه به پیش آمد ناگواری برمی خورد، زنان و اطفال را جمع می کرد و دعا می کرد و آن ها آمین می گفتند.

6 - سجده بر تربت حسینی

«کان الصادق علیه السلام لایسجد الا علی تربة الحسين علیه السلام تذلل الله و استکانة الیه. » (8)

امام صادق علیه السلام جز بر تربت حسینی سجده نمی کرد، تا در درگاه خداوند.

7 - دعا

«کان الصادق علیه السلام یدعو بهذاالدعاء: الھی کیف ادعوک و قد عصیتک و کیف لادعوک و قد عرفت حبک فی

قلبی. . . » (9)

امام صادق علیه السلام این دعا را می خواند: خدایا! چگونه تو را بخوانم، در حالی که تو را معصیت کرده ام و

چگونه تو را نخوانم، در حالی که محبت تو را در قلبم احساس می کنم. . .

8 - روزه

«کان الصادق علیه السلام اذا صام لایشم الريحان فسئل عن ذلك فقال: انی اکره ان اخلطصومی بلذة. » (10)

امام صادق علیه السلام هنگامی که روزه می گرفت، ریحان را بو نمی کرد. از او علت این امر را پرسیدند. فرمود: من دوست ندارم که روزه ام را با لذت درهم آمیزم.

9 - زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام

از صفوان جمال روایت شده است: با امام صادق علیه السلام وارد کوفه شدیم. امام فرمود: ای صفوان! شتر را بخوابان، که این جا نزدیک قبرجدم، امیرالمؤمنین علیه السلام است. امام فرودآمد، غسل کرد، جامه را تغییر داد،

پا را برهنه نمود و فرمود: تو نیز چنین کن. به جانب نجف رفتیم. فرمود: گام ها را کوتاه بردار و سر را به زیر انداز. خداوند متعال برای هر گام که برداری، صد هزار حسنه می نویسد، صد هزارگناه را محو می کند، صد هزار درجه می بخشد، صد هزار حاجت را بر می آورد و ثواب هر صدیق و شهید را برای تو می نویسد. آن حضرت با دل آرام، تن آرام، تسبیح، تهلیل و تنزیه به جلو می رفت، تا رسیدیم به تل ها. . . بر سر قبر رسید و اشک بر گونه هایش جاری شد و گفت: «انالله و انا الیه راجعون»؛ آن گاه بر امیرالمؤمنین علیه السلام سلام کرد و. . . (11)

10 - زیارت حسینی

امام صادق علیه السلام در مسجد حنانه - که ازمساجد شریفه، نجف اشرف است. - امام حسین علیه السلام را به گونه ای خاص - که در مفاتیح الجنان ذکر شده است. - زیارت کرد و سپس چهار رکعت نماز خواند.

11 - دعا هنگام سفر

امام صادق علیه السلام هنگام سفر این دعا را می خواند:
«اللهم خل سبیلنا و احسن تسبییرنا واعظم عافیتنا» (12)؛ خدایا! راه را بر ما بگشای و گزارش ما را نیکوگردان و عافیت ما را بزرگ ساز.
امام صادق علیه السلام هرگاه پای در رکاب می نهاد، می گفت: «سبحان الذی سخرلنا هذا و ما لنالہ مقرنین». نیز هنگام سفر هفت بار تسبیح می کرد، هفت بار حمد خدا می نمود و هفت بار لا اله الا الله می گفت. (13)

12 - صبح

در روایت آمده که امام صادق علیه السلام صبح که می شد، می گفت:
«بسم الله و بالله و من الله و الی الله و فی سبیل الله و علی ملة رسول الله صلی الله علیه و آله اللهم الیک اسلمت نفسی و الیک فوضت امری و الیک توجهت وجهی و علیک توکلت یارب العالمین. . .» (14)

13 - صدقه

در روایت آمده است:
«انه کان یتصدق بالسكر فقیل له: اتصدق بالسكر؟ قال نعم انه لیس شیء احب الی منه و انا احب ان یتصدق با حب الاشیاء الی. . .» (15)
امام صادق علیه السلام شکر را صدقه می داد. از آن حضرت سؤال شد: آیا شما شکر را صدقه می دهید؟ فرمود: بلی. هیچ چیز نزد من دوست داشتنی تر از شکر نیست. من دوست دارم که محبوب ترین چیز را صدقه دهم.

14 - عزاداری برای امام حسین علیه السلام

طفلی شیرخوار را در مجلس عزاداری امام حسین علیه السلام نزد امام صادق علیه السلام آوردند. امام صادق علیه السلام طفل را بغل کرد و گریه اش شدت یافت. (16)
امام صادق علیه السلام به ابوهارون شاعر فرمود: شعری درباره حسین علیه السلام بخوان. او شعری درباره آن

حضرت خواند. امام فرمود: آن گونه که در جمع خود می خوانی، بخوان. ابوهارون قصیده ای را با سوز خاصی خواند. امام باصدای بلند گریست. صدای زنان نیز از پس پرده برخاست. (17)

15 - حضور قلب در نماز

ابویوب می گوید: «کان ابوجعفر علیه السلام وابوعبدالله علیه السلام اذا قاما الى الصلاة تغیرت الوانهما حمرة و مرة صفرة کانما یناجیان شیئا یریانه.» (18)

امام باقر و امام صادق علیهما السلام آن گاه که به نماز می ایستادند، رنگ چهره آنان تغییر می کرد؛ گاه سرخ می شد و گاه زرد. گویا با کسی که او رامی بیند، سخن می گویند.

امام صادق علیه السلام در نماز، قرآن تلاوت کرد و بیهوش شد. بعد از به هوش آمدن، از امام سؤال شد: چرا بی هوش شدی؟ امام فرمود: معنای آیات مرا بی هوش کرد. من آیات را تکرار کردم و در حالتی قرار گرفتم که گویا آیات را از کسی که آن را نازل کرده است، می شنیدم. (19)

امام صادق علیه السلام هنگامی که برای نماز خارج می شد، می گفت:

«اللهم انی اسالک بحق السائلین لک وبحق مخرجی هذا فانی لم اخرج اشرا و لا بطرا و لا رءاء و لا سمعة و لكن خرجت ابتغاء رضوانک و اجتناب سخطک فعافنی بعافیتک من النار.» (20)

پی نوشت ها :

- 1 - میزان الحکمة، ج 5، ص 332.
- 2 - وسایل الشیعه، ج 9، ص 408.
- 3 - کشف الغمه، ج 2، ص 430.
- 4 - فهرست روایات فقهیه، ج 1، ص 841.
- 5 - میزان الحکمة، ج 5، ص 33.
- 6 - مستدرک، ج 2، ص 162.
- 7 - بحارالانوار، ج 90، ص 394.
- 8 - وسایل الشیعه، ج 5، ص 366.
- 9 - امالی، شیخ صدوق، ص 438.
- 10 - وسایل الشیعه، ج 7، ص 67.
- 11 - ر. ک: مفاتیح الجنان.
- 12 و 13 - من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 271.
- 14 - مکارم الاخلاق، ص 279.
- 15 - وسایل الشیعه، ج 9، ص 471.
- 16 - مجله کوثر، شماره 26، ص 26.
- 17 - همان، به نقل از وسایل الشیعه، ج 14، ص 593.
- 18 و 19 - میزان الحکمة، ج 5، ص 385.

